

پایش

گمگشته فعالین فرهنگی



به نام خداوند
بخشنده و مهربان

جزوه فرهنگی یابش

"گمگشته فعالین فرهنگی"

جزوه فرهنگی یابش (گمگشته فعالین فرهنگی)

گردآوری: فاطمه احمدی سَکَل

جلد اول

طراحی: فرزانه قربانی

واحد فرهنگی اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان



فهرست مطالب

۶.....	پیشگفتار.....
۸.....	مقدمه.....
۹.....	سیال مثل هوا.....
۱۱.....	مدیریت فرهنگ و انواع رویکردها.....
۱۴.....	و آن رسیدن.....

پیشگفتار

سال هاست که نامی را بر دوش می کشیم. با اولین جرعه حضور اجتماعیمان در جامعه جوششی در جان افتاد که خواستیم در جامعه نقشی ایفا کنیم و تا به خود آمدیم نام "فعال فرهنگی" را به خود گرفتیم. پیش رودریای متلاطم و خروشان بود که روزی ما را محبوب و با امواجی دیگر به نفرت ما را درهم می شکست...

انگار در میان سیالی ناشناخته، درون قایقی که نمی دانیم چگونه حرکت می کند گمشده باشیم.

این نادانستگی و گم گشتگی را سال هاست پنهان کرده ایم و هر روز با تکرار بحران های فرهنگی قلبمان آب می شود. باید به مسیر برگشت و این تصویر نامتقارن فرهنگی شکسته شده را از نو ساخت.

حال که درد را گفتم درمان را نیز بیان خواهم کرد. پس از بررسی های متعدد و ریشه یابی فرهنگی به شش ریشه اصلی رسیدیم که نه تنها در تشکیلات

بلکه در جامعه نیز این موارد وجود دارد. این ابعاد عبارت است از: فرهنگی تاریخی، فرهنگی هنری-زیبا شناختی، فرهنگی تشکیلاتی-آموزشی، نظام فکری امامین انقلاب به ویژه حضرت آقا، درهم شدگی فرهنگ غرب با فرهنگ ایرانی-اسلامی

بر آن شدیم تا با دسته بندی و جمع بندی از منابع قابل استناد به صورت ویژه در ابعاد فرهنگ وارد شده و ترجیح بند آن را با یابش به نتیجه برسانیم. سلسله جزوات یابش همان جستجوی ماست که به ثمر نشسته و قرار است از ب بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) آغاز کرده و به چستی فرهنگ و اجزای مختلف آن پردازیم و پس از شناخت به کشف راه حل های خلاقانه مدیریت فرهنگی و توسعه کار فرهنگی برسیم که رسالت یابش هم همین است.

ان شاء الله با استفاده از این مطالب گره های هرچند کوچکی از دست و پای قایق فرهنگ پیمای شما باز شود.

و من الله توفیق (فاطمه احمدی سگل) فروردین ماه ۱۴۰۴

مقدمه

اصلی ترین و محوری ترین عنصر هر جامعه ای عامل فرهنگ است. در اندیشه امام خمینی (ره)، بدون هیچ تردیدی بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. از آنجایی که ابعاد فرهنگ نیز گسترده و شناخت و پرداخت آن لازمه کار فرهنگی ست؛ ضرورت بررسی و مطالعه آن اولاً از دیدگاه اسلامی و ثانیاً کاربردی برای استفاده فعالین فرهنگی را نمایان می سازد. در این شماره از یابش، به توضیح این که فرهنگ چیست و چه فضایی دارد پرداخته و مدیریت فرهنگی را چگونه یافته و به یکی از ابعاد مهم آن که هنر و زیبا شناختی ست اشاره خواهد کرد که ابتدأً از منظر حضرت آیت الله العظمی امام خامنه ای بررسی کرده و سپس با تحلیلی از جنس نگاه دانشجوی فعال فرهنگی آن را مورد موشکافی قرار می دهد.

سیال مثل هوا

من اولین مطلبی که می‌خواهم عرض کنم به شما، این است که در زمینه فرهنگی، درست از قول بنده نقل کردند، حقیقتاً بنده در طول سال‌های متمادی، بیش از نگرانی‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی، نگرانی فرهنگی بود. علت هم برای شما واضح است، البته برای خیلی‌ها واضح نیست! اما شما خودتان اهل فرهنگید، می‌دانید که فرهنگ هواست، اگر این هوا سالم بود، یک بدن مستعد، با تنفس آن، خوب انرژی می‌گیرد. اگر هوا مسموم بود، آدم‌ها با سالم هم صرفاً تنفس در این هوا بکنند، مریض می‌شوند، ناتوان می‌شوند، معلول می‌شوند؛ فرهنگ یک چنین حالتی دارد. (مقام معظم رهبری)

این حالت شناوری فرهنگ می‌تواند تعمیم دیگری نیز داشته باشد. اگر کلمه مهندسی فرهنگی را شنیده باشید احتمالاً فهم ماجرا برایتان آسان‌تر خواهد بود. بله، اساساً چیزی را می‌توان مهندسی کرد که ساختاری قابل مدیریت و تعریف داشته باشد. در علوم مهندسی موضوعی مطرح می‌شود با عنوان "سیال". در توضیح ساده به هر آنچه که شناور بوده و

قابلیت احاطه و یا پر کردن یک فضا را داشته باشد سیال گفته می شود و اگر به این توضیح بسنده کنیم خسران زده خواهیم بود چرا که سیال نیز انواعی دارد و اگر ندانیم با چه نوعی طرف هستیم می شویم همان قایق سواری که نمی داند پارو بزند یا باک موتورش را پر کند. حال برگردیم به انواع سیال که با آن ها آشناییت داریم. عسل، روغن، آب، هوا، انواع گاز ها و ... که قطعا رویکرد افراد نسبت به این موارد متفاوت است و اگر فردی را ببینیم که برای بهبود شرایط بیمار مبتلا به آسم به جای مکانی برای تنفس، یک لیوان شربت بدهد همان قدر شوک زده می شویم که با وجوهات مختلف فرهنگ با یک رویکرد رفتار شود. البته شاید هم برایمان عجیب نباشد چرا که با سیال بودن فرهنگ آشنایی نداشتیم!

تا به حال این سوالات را با خود تکرار کرده اید که فرهنگ چیست؟ و منشأ فرهنگ از کجا شکل گرفته است؟

شاید برای پاسخ به این سوالات نیاز باشد به اساسی ترین اتفاق تاریخ بشریت برگردیم، ایجاد جامعه. اولین رکن برای ایجاد جامعه، شناخت اجزای آن است و مهم ترین جز، ارتباط گیری متداول بین افراد آن است. افراد برای این که ساختار را حفظ کنند روزانه با هم در ارتباط هستند. از کوچک ترین ارتباط همچون سلام و احوال پرسی گرفته تا بزرگترین آن ها مانند تجارت، خرید و فروش که نیازمند فهم اصول بسیاری ست. در هر کدام از موارد ذکر شده، پیامی در حال رد و بدل شدن است. در اینجاست که مجموعه ای از رفتارها و گفتارهای متناسب با آن پیام، استفاده می شود تا در هر دو طرف فهم مطلب به صورتی مطلوب حاصل شود. حال به این سوال می توانیم پاسخ بدهیم که منشأ فرهنگ از کجاست و اساساً چیست!

فرهنگ همان سیال شناوری ست که در ارتباطات مختلف جامعه در جریان است و دقیقاً تعریف راحت الفهمش مجموعه رفتار و گفتارهایی ست که می خواهد حامل پیامی بین دو یا چند فرد و حتی گروه باشد.

مدیریت فرهنگ و انواع رویکردها

پس دریافتیم که فرهنگ آنچنان با گوشت و خون انسان در آمیخته که موجب می شود تا ایجاد جامعه بشری را هموار سازد در واقع فرهنگ مثل روح در کالبد جامعه است و غیر از فرهنگ هر چه هست جسم و کالبد را تشکیل می دهد؛ لذا جایی نیست که فرهنگ نباشد و رفتارها تحت تأثیر فرهنگ شکل می گیرند. بر اساس آنچه که در تأثیر جامعه بر فرد و مباحث جامعه شناختی که گوشه اندکی از آن مطرح شد حال با در نظر گرفتن این مهم، بدون اصلاح فرهنگ به سختی می توان افراد را اصلاح کرد. آیت الله خامنه ای با تأکید بر اینکه فرهنگ یک ملت، منشأ عمده ی تحولات آن ملت است، بیان می کنند: ((از این فرهنگ، همه ی کارکردها و جهت گیری ها و تحولات ملت سرچشمه میگیرد. بنابراین فرهنگ یک ملت، منشأ عمده ی تحولات آن ملت است. پله، بلاشک عوامل گوناگونی روی فرهنگ ملت اثر میگذارد یعنی این تأثیر دو جانبه است اما عاملی که یک ملت را به رکود و خمودی یا تحرک و ایستادگی یا صبر و حوصله یا پرخاشگری و بی حوصلگی، یا اظهار ذلت در مقابل دیگران یا احساس غرور و عزت در مقابل دیگران، به تحریک و فعالیت

تولیدی یا به بیکارگی و خمودی تحریک میکند فرهنگ ملی است. فرهنگ - با همین تعریف ویژه - محصول تعریف جمعی از یک جامعه است و خودش مؤثر در همه‌ی حرکات و تحولات و تشکیل دهنده‌ی هویت یک جامعه است.)

با فهم این اصل، حال می‌توانیم وارد بحث مدیریتی و رویکرد های متناسب با آن شویم. پیشتر عنوان کردیم که چیزی را می‌توان مدیریت کرد که نسبت به آن احاطه و فهم داشته باشیم. با توجه به مواردی که قبلاً ذکر شد اگر بخواهیم فرهنگ صحیح که موجب اصلاح امت شود را مدنظر داشته باشیم با پیروی از دو اصل:

۱_ وجود کتاب و سنت به عنوان منبع خطا ناپذیر و برین

۲_ وجود فطرت به عنوان منبع مشترک

امکان پذیر خواهد بود. با توجه به اصل اول ریل گذاری صحیح صورت گرفته و با جای دهی اصل دوم که بر اساس آن هدف مشترکی که در فطرت تعریف شده، رشد و تعالی ست؛ می‌توان زبان مشترک را یافت تا به قول شاعر آنچه از دل برآید لاجرم بر دل نشیند و تأثیر گذاری مدنظر ما را در بر داشته باشد.

یکی از چالش‌هایی که یک فعال فرهنگی با آن روبه‌روست؛ تنوع فرهنگی و تفاوت رویکردی ست که باید متناسب با آن بکار بگیرد. تنوع فرهنگی در جایی به معنای تفاوت فرهنگ‌های حاکم بر شهرها و استان‌های مختلف است و از سویی دیگر تنوع در اصل فرهنگ هست؛ همچون فرهنگ مقاومت، فرهنگ انقلاب، فرهنگ هنری-زیبا شناختی و حال این فعال فرهنگی ست که با اشراف به شرایط و زبان‌های متفاوت فرهنگی و علم به این مورد که انتخاب یک فرهنگ، منوط به آزادی فکر است؛ ابتکار

فردی و گروهی را به کار بگیرد. به عنوان یک نمونه رهبر معظم انقلاب با اشاره به تنوع فرهنگی می فرماید: ((هم مخاطب را باید شناخت که امروز مخاطبین ما ده ها میلیون هستند که بسیاری جوانند؛ اعم از آنهایی که در دانشگاهند یا در دبیرستانند یا در فضاهاى دیگری زندگی میکنند؛ اینها همه مخاطبان ما هستند؛ هم مخاطب را باید شناخت ظرفیتهای او را باید دانست، هم چگونگی حرف زدن با مخاطب را باید یاد گرفت. این خیلی مهم است؛ ببینید چه چیزی را باید بگویند شماها نیتهايتان خیلی خوب است، در این تردیدی نیست؛ هم نیتتان خوب است هم تلاش و توانتان خوب است؛ منتها بعضی از کارها هست که احتیاج دارد به اینکه انسان با متخصصین کار، با کسانی که در این زمینه ها تجربه دارند مشورت بکند؛ این را از یاد نبرید و ببینید چطور می توانید.))

نکته ای مطرح شد که در جمع بندی این بحث عرض میکنم؛ آزادی فکر و انتخابگری. افراد جامعه برای پذیرش اصلاحیه ما بر فرهنگ و یا ارائه یک فرهنگ؛ چرا که آزاد بوده و بر اساس آزادی فکری و عملی، انتخاب می کنند شاید بازه زمانی تأثیر گذاری روی افراد سال ها طول بکشد و یک دانشجوی فعال فرهنگی دچار سرخوردگی و فرسودگی شود. ریشه این احساس در نتیجه گرایی ست؛ به عنوان مثال اگر برای یک نشریه حدود هشت متن نگارش و ویراست شده باشد، نهایتاً یک یا دو متن تأثیر خود را در بازه زمانی یک تا دو هفته ای انتشار آن خواهد گذاشت. در اینجا آیا آن مطلب نگارش شده که شاید توجه کافی را کسب نکرده کنار گذاشته شود؟ یا پاسخ این خواهد بود که فرهنگسازی درباره این مطلب به خصوص، حداقل بازه زمانی چند ماهه ای نیاز دارد؟ با فهم یک اصل و به کار گیری آن، ریشه باطلی که گریبان فعال فرهنگی را گرفته است خواهد خشکید؛ و آن اصل:

اولا اعتقاد به این مورد که فرهنگ آرام آرام و با صبر و تلاش توأمان قابل تغییر یا اصلاح است. و ثانیاً همان طور که امام راحل فرمود: ((ما مأمور به انجام وظیفه هستیم، نه حصول نتیجه!))

و آن رسیدن

با فهم مواردی که در باب تعریف فرهنگ و تفاوت رویکرد ها گفته شد؛ حال وقت آن است تا با حقیقتی بزرگ روبه رو شویم. رسالت دانشجو فعال فرهنگی، رسالت حقیقی که سال هاست مغفول مانده و در این لحظه که آن رسیدن بزرگترین تحولات جهانی ست باید با آن روبه رو شد و کم لطفیمان نسبت به فرهنگ را جبران کرد. و رسالت را شهید بهشتی اینگونه بیان می کنند که جامعه نیاز معنوی دارد و این معنویت از طریق فرهنگ سازی صحیح و به هنگام صورت می پذیرد. باید حضور هنری و رسانه ای داشته باشد و چقدر این مورد دیده می شود؟ در تمامی ابعاد و نه محصور در یک عنوان...؟

باید این مفهوم را درک کرد تا به ایفای نقش پرداخت و آن این که نمی توان انسان ها را بدون تغذیه هنری نگه داشت چرا که هنر از نیاز فطری و طبیعی بشر بر می خیزد؛ زیرا قلب و احساس خانه هنر است و موتور محرک انسان هم نیز به عواطف و احساسات بر می گردد. پس اگر قرار

باشد، اندیشه ای پر قدرت و خط دهنده درون ذهن انسان ها جاگیری کرده و سپس حرکت کند؛ باید دانشجو رسالتش در قبال هنر را به سر انجام برساند. این هنر محدود نیست و همچون منشأش فرهنگ، در تمام قالب های آرمانهای عالی بشر، نیاز های سیاسی، تشکیلاتی، سازماندهی، مدیریتی و... نقش ایفا میکند و حقیقتاً چه میدان وسیعی برای عرض اندام ارائه می دهد!

این نکته مهم را نیز نباید فراموش کرد که لطافت هنر انسان را تعلیم می دهد و اگر فن آن، روش تربیت آن و نحوه بکارگیری آن را از روی ندانستگی از خود سلب کنیم می شود همین آش شلم شوربایی که امروز در کشورمان رخنه کرده و جای جای فرهنگمان را زخمی کرده است. به قول شهید آوینی: ((مقصود این نیست که ما باید قالب های هنری روز و وسایل ارتباط جمعی را یکسره دور بزنیم، بلکه معتقدیم که باید جسم این قالب ها را در روح اعتقادات و فرهنگ خویش مستحیل کنیم. این «استحاله» منوط به معرفتی کافی و وافی است که ما را از فریب خوردن و بخصوص از افتادن در تله توسعه گرایی و تکنو کراسی_ که ضرورتاً ملازم با یکدیگر هستند_ باز دارد.))

فعلاً این درد را در خود یادآور شده و این بار با نگاهی متفاوت به این شمشیر دولبه نگاه کنید. در شماره های بعدی به ابعاد گسترده تری خواهیم پرداخت...

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

ما به کسانی که اهل کار فرهنگی
هستند دائم می‌گوییم
به بعضی تکرار می‌کنیم
به بعضی التماس می‌کنیم
بعضی را در اینجا جمع می‌کنیم و به
بعضی پیغام می‌دهیم که آقا...
کار فرهنگی کنید.
جواب کار فرهنگی باطل، کار فرهنگی حق است.

(۱۴۰۰/۰۹/۲۸)